

بررسی دیدگاه مفسران فریقین درباره مصداق «ملک عظیم»

حامد دژآباد*

مهدي فرامرزي**

چکیده

خدای متعال در آیاتی از جمله آیه ۵۴ نساء، نعمت‌هایی را که از روی فضل به آل‌ابراهیم علیهم‌السلام عطا نموده، یادآور می‌شود. خدا در آیه یادشده بیان می‌دارد که کتاب، حکمت و ملک عظیمی را به آل‌ابراهیم عطا نموده است. مفسران فریقین معانی یا مصادیق متعددی را برای ملک عظیم ذکر نموده‌اند که در برخی از این معانی با یکدیگر اختلاف‌نظر دارند. روایات فریقین نیز معانی متعددی را برای ملک عظیم بیان کرده‌اند که در این رابطه روایات اهل سنت در بیان این معنا با یکدیگر اختلاف‌نظر زیادی دارند اما روایات شیعی در بیان معنای ملک عظیم همسو و هم‌مضمون هستند و با یکدیگر اختلافی ندارند. این مقاله به بررسی تطبیقی روایات و دیدگاه مفسران فریقین و دلایل درون‌متنی و برون‌متنی آنان در مورد مصداق ملک عظیم می‌پردازد و در پایان با توجه به سایر آیات و روایات نتیجه می‌گیرد که معنای ملک عظیمی که خدا آن را به آل‌ابراهیم علیهم‌السلام عطا نموده، امامت و به‌عبارت دیگر ولایت تکوینی از سوی خدای سبحان است.

واژگان کلیدی

آیه ۵۴ نساء، تفسیر تطبیقی، ملک عظیم، آل‌ابراهیم.

h.dejabad@ut.ac.ir
mahdi.faramarzi@ut.ac.ir
تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۱۸

*. استادیار دانشگاه تهران. (نویسنده مسئول).
**. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.
تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۲

طرح مسئله

از دیدگاه اهل سنت پیامبر اکرم ﷺ و از دیدگاه شیعه پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام، ذریه و آل ابراهیم علیهم السلام هستند. خدای سبحان نعمت‌هایی را از روی فضل به آل ابراهیم علیهم السلام عطا نموده، که در جای جای قرآن آنها را بیان کرده است. آیه «أَمْرٌ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا» (نساء / ۵۴) از جمله آیاتی است که خدای متعال در آن شئونی را در قالب اعطای کتاب، حکمت و ملک عظیم برای آل ابراهیم علیهم السلام بیان می‌دارد.

مسئله مورد بحث این است که مراد از آل ابراهیم در این آیه چه کسانی‌اند؟ آیا آل ابراهیم علیهم السلام شامل پیامبر ﷺ و خاندانش نیز می‌شود؟ و دیگر اینکه مراد از ملک عظیم ذکر شده در این آیه چیست؟ آیه مورد بحث از جمله مواردی است که مفسران فریقین در تعیین مصداق گزاره‌های آن با یکدیگر اختلاف کرده‌اند. یکی از گزاره‌های این آیه که در رابطه با تعیین مصداق گزاره‌های آن با یکدیگر اختلاف کرده‌اند. یکی از گزاره‌های این آیه که در رابطه با تعیین مصداق آن اختلاف شده «ملک عظیم» است. برای روشن شدن معنا و مصداق درست ملک عظیم ابتدا نظر مفسران و روایات اهل سنت در رابطه با معنای «ملک عظیم» ذکر می‌شود و سپس دیدگاه مفسران و روایات شیعه در این باره بیان می‌شود و هر دو دیدگاه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دیدگاه مفسران اهل سنت

مفسران اهل سنت درباره معنای «ملک عظیم» و مراد خدا از آن معنای ای را بدین شرح بیان نموده‌اند:

یک. کثرت زن

عده‌ای از مفسران مراد از «ملک عظیم» در آیه راه کثرت زنان دانسته‌اند و مصداق آن را حضرت داوود و سلیمان علیهم السلام می‌دانند. این عده از مفسران می‌گویند: «به بعضی از فرزندان حضرت ابراهیم علیهم السلام مانند حضرت داوود علیهم السلام، حضرت سلیمان علیهم السلام و حضرت یوسف علیهم السلام «ملک عظیم» داده است، که حد و حدود آن را نمی‌توان برشمرد. پس حضرت داوود علیهم السلام صد زن و حضرت سلیمان علیهم السلام نیز هزار زن داشتند و این سه پیامبر در بنی اسرائیل بودند و امر نبوت آنها را از امر پادشاهی و زنانشان باز نداشت، پس چگونه این امر بر پیامبر اسلام ﷺ محال است». (نووی جاوی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۰۳؛ سیوطی، ۱۴۱۶: ۱ / ۹۰؛ مظهری، ۱۴۱۲: ۲ / ۱۴۴؛ بلخی، ۱۴۲۳: ۱ / ۳۸۰)

دو. کمال قدرت

مراد از ملک عظیم کمال قدرت است؛ فخر رازی در *مفاتیح الغیب* درباره معنای «ملک عظیم» این گونه می‌نویسد: «اما مراد از «ملک عظیم» کمال قدرت است و ثابت است که کمالات حقیقی غیر از علم و قدرت نیست.» (رازی، ۱۴۲۰: ۱۰ / ۱۰۵) پس مراد از «ملک عظیم» در این آیه، کمال قدرت است که خدا به آل ابراهیم علیهم السلام داده است.

سه. پادشاهی و حکومت

عده‌ای از مفسران اهل سنت مراد از «ملک عظیم» در آیه را پادشاهی می‌دانند (طنطاوی، بی‌تا: ۳ / ۱۸۴؛ ابوزهره، بی‌تا: ۴ / ۱۷۱۸) و بعضی دیگر نیز در بیان مصداق برای این پادشاهی، ملک حضرت داوود علیه السلام، سلیمان علیه السلام و یوسف علیه السلام را بیان می‌دارند. (ابن عاشور، بی‌تا: ۴ / ۱۵۸؛ صابونی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۵۸؛ ابن قتیبه، بی‌تا: ۱ / ۱۱۴) عده‌ای هم می‌گویند مراد فقط ملک سلیمان علیه السلام است. (ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲ / ۶۸)

چهار. نبوت

عده‌ای از مفسران نیز بر این عقیده‌اند که مراد از «ملک عظیم» در این آیه نبوت است. (ابن عباس، بی‌تا: ۱ / ۹۲؛ ابن جبر مکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۸۴؛ هواری، بی‌تا: ۱ / ۳۴۰).

پنج. عظمت و شوکت اسلام

مراد از «ملک عظیم» ذکر شده در آیه عظمت و شوکت اسلام است که خدا آن را به مسلمانان بشارت می‌دهد. این آیه مدنی و از آیات آخر است و این آیه «ملک عظیم» در هنگام نزول این آیه را بشارت می‌دهد که در آن زمان، شوکت و عظمت مسلمانان تقویت شده بود، پس آیه بشارت می‌دهد آنها را به ملکی که به دنبال نبوت و حکمت می‌آید. (رشیدرضا، ۱۹۹۰: ۵ / ۱۳۰؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۵ / ۱۱۳)

شش. عمومیت معنای ملک

«ملک عظیم» در این آیه عام است و نمی‌توان آن را بر هیچ معنای خاصی حمل نمود. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳ / ۱۲۷۷)

ملک عظیم در روایات اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت با توجه به معنایی که برای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند به چند دسته تقسیم می‌شود:

یک. پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام

مراد از ملک عظیمی که خدا در این آیه بیان نموده که آن را به آل ابراهیم علیهم السلام داده است، همان ملک و پادشاهی حضرت سلیمان علیه السلام است که بعد از درخواست، خدای متعال به ایشان عطا نمود. طبری و ابن ابی حاتم هر یک با طریق خود از ابن عباس و عطیه این معنا را نقل نموده‌اند. (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱)

دو. نصرت و یاری توسط ملائکه و سپاهیان از انسان

بعضی از مفسران اهل سنت این معنا را بیان نموده‌اند، طبری با سند خود از همام بن حارث در مورد معنای

«ملک عظیم» روایتی را این‌گونه نقل می‌کند. «مراد از «ملک عظیم» نصرت و یاری توسط ملائکه و سپاهیان است» (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹) ابن‌منذر نیز در کتاب تفسیرش همین روایت را با سند خود از همام بن حارث نقل می‌کند، البته ابن‌منذر همین روایت را با سندی دیگر از عبدالرحمن بن یزید با اندکی اختلاف نقل می‌کند که «ملک عظیم» نصرت توسط ملائکه در جنگ بدر است. (ابن‌منذر، ۱۴۲۳: ۲ / ۷۵۲)

سه. نبوت

مراد از «ملک عظیم» که در این آیه آمده، نبوت است، که خدا از روی فضل خویش آن را به آل‌ابراهیم علیهم‌السلام داده است. عده‌ای از روایات اهل سنت بیانگر این معنا است. طبری با دو طریق از مجاهد در روایتی در تفسیر خود این معنا را ذکر کرده است (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹) ابن‌ابی‌حاتم نیز با طرق خود از حسن بصری و ابن‌مجاهد و ثوری (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱) و سیوطی نیز به نقل از عبد بن حمید و ابن‌منذر از مجاهد همین معنا را نقل نموده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۷) با توجه به این روایات معنای «ملک عظیم» نبوتی است که خدا آن را در ذریه حضرت ابراهیم علیه‌السلام قرار داد.

چهار. پادشاهی و سپاهیان از انسان

برخی از روایات اهل سنت مراد از «ملک عظیم» را پادشاهی و سپاهیان می‌دانند. این معنا را ابن‌ابی‌حاتم با طریق خود از ابن‌ابجر این‌گونه نقل می‌کند: «ملک عظیم، یعنی پادشاهی و سپاهیان». (ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱) ابن‌ابی‌حاتم در نقل این معنا متفرد است، به هر حال طبق این روایت معنای «ملک عظیم» پادشاهی و سپاهیان است.

پنج. کثرت زنان

مضمون برخی از روایات اهل سنت بیانگر آن است که مراد از ملک عظیمی که خدا در این آیه بیان نموده، کثرت و تحلیل زنان زیاد بر آل‌ابراهیم علیهم‌السلام است. طبری و ابن‌ابی‌حاتم با طریقی واحد این معنا را از سدی این‌گونه نقل می‌کند: «حضرت داوود علیه‌السلام ۹۹ زن داشت و حضرت سلیمان علیه‌السلام نیز یک‌صد زن داشت، پس چگونه بر محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آنچه که بر آنان حلال بود جائز نیست». (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹؛ ابن‌ابی‌حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱) موارد مذکور تمام آنچه بود که در تفاسیر روایی اهل سنت در مورد معنای «ملک عظیم» بیان شده است. حال در این قسمت برای روشن شدن معنای «ملک عظیم» به بیان دیدگاه مفسران شیعی پرداخته می‌شود.

دیدگاه مفسران شیعه

مفسران شیعه نیز مانند مفسران اهل سنت در خصوص معنا و مصداق «ملک عظیم» نظرهای متعددی را بیان

نموده‌اند، البته این بدان معنا نیست که معانی بیان شده قابل جمع نیستند، بلکه بسیاری از معانی با یکدیگر قابل جمع هستند.

یک. نبوت و ولایت

برخی از مفسران شیعه بر این عقیده‌اند که «ملک عظیم» در این آیه که خدا آن را به آل ابراهیم علیهم‌السلام داده است، نبوت و ولایت است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۷۷) برخی دیگر نیز همین معنا را این‌گونه بیان می‌کنند که مقصود از «ملک عظیم»، در اینجا که کنار کتاب و حکمت آمده، عبارت از رسالت و جانشینی رسالت است که آن رسالت از جهت اینکه جامع بین وحدت و کثرت کامل است، ملکی است که بزرگ‌تر از آن وجود ندارد. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۴۲؛ گنابادی، ۱۴۰۸: ۲ / ۲۸)

دو. نبوت

بعضی از مفسران شیعه مراد از ملک عظیمی که خداوند در این آیه بیان نموده، نبوت می‌دانند. (عاملی، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۱۴)

سه. پادشاهی

عده‌ای از مفسران شیعه «ملک عظیم» را مطلق پادشاهی دنیایی می‌دانند و پادشاهی حضرت داوود علیه‌السلام، سلیمان علیه‌السلام و یوسف علیه‌السلام را از مصادیق این پادشاهی در آل ابراهیم علیهم‌السلام می‌دانند. (کاشانی، ۱۴۲۳: ۲ / ۸۴؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲ / ۲۴۰) و عده‌ای نیز کنار مفروض الطاعة بودن، معنای پادشاهی را نیز برای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند. (شبر، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲ / ۳۰۱) با این وجود برخی از این عده معنای «ملک عظیم» را پادشاهی و برخی دیگر پادشاهی یا مفروض الطاعة بودن می‌دانند.

چهار. وجوب اطاعت

عده‌ای از مفسران شیعه با توجه به روایات رسیده در تفسیر این آیه مراد از «ملک عظیم» را در این آیه همان وجوب اطاعت دانسته‌اند. (شبر، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲ / ۳۰۱) البته این عده از مفسران در بیان معنای ملک عظیم، کنار بیان وجوب اطاعت ملک و پادشاهی دنیایی را نیز بیان کرده‌اند.

پنج. جمع بین ملک دنیایی و دینی

برخی از مفسران در بیان معنای «ملک عظیم»، ملک مادی و معنوی را بیان نموده‌اند و این‌گونه آورده‌اند: «مراد از «ملک عظیم» ظاهراً حکومت ظاهری و معنوی است، از قبیل امامت و وجوب اطاعت و حکومت امثال سلیمان علیه‌السلام و داوود علیه‌السلام» (قرشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۳۸۳؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۳: ۱ / ۹۸) بنابراین معنای «ملک عظیم» عام است و هر دو نوع ملک مادی و معنوی را شامل می‌شود.

روایات شیعی

در مصادر حدیثی شیعه روایات فراوانی در تبیین معنای «ملک عظیم» وجود دارد که البته تمامی این روایات دو معنا را برای «ملک عظیم» بیان می‌کنند، در اینجا با توجه به هدف مقاله، روایاتی را که در کتب تفسیری شیعه آمده است، ذکر می‌گردد.

یک. امامت

یکی از دو معنای بیان شده برای «ملک عظیم» در روایات شیعی امامت و جانشینی ائمه علیهم‌السلام بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است. (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۴۱؛ حویزی، ۱۴۱۵: ۱ / ۴۹۰)

دو. وجوب اطاعت

معنای دیگری که در روایات شیعه در مورد معنای «ملک عظیم» بیان شده، وجوب اطاعت است. (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۴۱) همین معنا را با عباراتی متفاوت فرات بن ابراهیم کوفی در تفسیر خود از قول امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است (کوفی، ۱۴۱۰: ۱۰۷) طبق این روایات معنای «ملک عظیم» مفترض الطاعة بودن یا امامانی که اطاعت از آنها مفروض است، می‌باشد، که بازگشت هر دوی اینها به یک معنا است. این دو دسته روایت مذکور در سایر منابع با اندکی اضافات نقل شده است که جهت اختصار ذکر نمی‌گردد. (جهت مطالعه بیشتر ر. ک: کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۴۵۵، ۴۸۹ و ۵۰۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۱ / ۴۹ و ۲۳ / ۲۲۶ و ۳۹۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۵ و ۵۰۵؛ ثقفی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۹۵؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۴۲۵) نکته‌ای را باید در اینجا متذکر شد و آن اینکه، روایات شیعه که دو معنای امامت و مفترض الطاعة بودن را بیان نموده‌اند، با یکدیگر تعارضی ندارند؛ چراکه مفترض الطاعة بودن یکی از شئون امامت است.

نقاط مشترک در تفاسیر فریقین

روایات شیعه در مورد «ملک عظیم» در این آیه دو معنا را بیان نموده‌اند، که البته این دو معنا همان‌طور که ذکر شد، هیچ‌گونه منافاتی با یکدیگر ندارند، بلکه مفترض الطاعة بودن یکی از شئون امامت است و در این زمینه با روایات اهل سنت نقطه اشتراکی ندارند اما مفسران فریقین در بعضی از نظرها و مصادیقی که برای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند، اشتراک نظر دارند. آن نقاطی که مفسران فریقین در آن اتفاق نظر دارند عبارتند از:

یک. پادشاهی و حکومت

مفسران فریقین - غیر از روایات تفسیری فریقین - در تعیین یکی از مصادیق «ملک عظیم» با یکدیگر اتفاق نظر دارند و آن پادشاهی و حکومت است؛ این عده از مفسران معنای «ملک عظیم» را پادشاهی و

حکومت می‌دانند، همانند پادشاهی و ملک حضرت سلیمان علیه السلام، داوود علیه السلام و یوسف علیه السلام. (طنطاوی، بی تا: ۳ / ۱۸۴؛ ابو زهره، بی تا: ۴ / ۱۷۱۸؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۹۶؛ ابن عاشور، بی تا: ۴ / ۱۵۸؛ صابونی، ۱۴۱۷: ۱ / ۲۵۸؛ ابن قتیبه، بی تا: ۱ / ۱۱۴؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۲۲: ۲ / ۶۸؛ کاشانی، ۱۴۲۳: ۲ / ۸۴؛ کرمی حویزی، ۱۴۰۲: ۲ / ۲۴۰؛ شیر، ۱۴۰۷: ۲ / ۵۶؛ سبزواری نجفی، ۱۴۰۶: ۲ / ۳۰۱)

دو. نبوت

یکی دیگر از موارد اشتراک مفسران فریقین در تعیین مصداق «ملک عظیم» بیان معنای نبوت است، بدین صورت که مفسران فریقین ضمن بیان معانی متعدد، این معنا را نیز برای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند. (ابن عباس، بی تا: ۱ / ۹۲؛ ابن جریر مکی، ۱۴۱۰: ۱ / ۲۸۴؛ هواری، بی تا: ۱ / ۲۴؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۱ / ۱۱۴) که البته در بیان این معنا با برخی از روایات اهل سنت نیز همسو است. (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱؛ سیوطی، ۱۴۰۴: ۲ / ۱۷)

در ادامه برای روشن شدن صحت و سقم دیدگاه‌های مطرح شده به بررسی و نقد برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

ارزیابی برخی از دیدگاه‌ها

در مورد معنای «ملک عظیم» در این آیه، هر یک از مفسران و روایات فریقین معانی و مصادیقی را بیان نموده‌اند که برخی از آنها با ظاهر این آیه و آیات دیگر و همچنین سایر روایات و شأنیت «ملک عظیم» بیان شده در آیه و شأنیت آل ابراهیم علیهم السلام سازگار نیست.

به‌طور کلی اولین چیزی که می‌توان در نقد تمامی این دیدگاه‌های بیان شده مطرح نمود، این است که برخی از مفسران در دفاع از دیدگاه خود یا رد سایر دیدگاه‌ها به دنبال قرینه یا دلیلی نبوده‌اند؛ به عبارت دیگر نظرها و دیدگاه‌های آنان مستدل نیست، بلکه صرف بیان نظر بدون دلیل و قرینه است که این نیز ضعیفی است که بر همه نظرها وارد است، به هر حال در اینجا به ارزیابی و نقد برخی از این دیدگاه‌ها پرداخته می‌شود.

یک. بررسی نظریه «کثرت زنان» و «ملک مادی»

در برخی از دیدگاه‌ها بیان شده بود که مراد از «ملک عظیم» در این آیه کثرت زنان و ملک مادی مانند پادشاهی حضرت داوود علیه السلام، سلیمان علیه السلام و یوسف علیه السلام است. در ادامه ضمن بیان ادله‌ای برای مشخص نمودن صحت و سقم این دیدگاه، به بررسی و نقد آن پرداخته می‌شود:

۱. معنای ملک

آنچه که در کتب لغت در خصوص معنای «ملک» بیان شده، این است که «ملک اصل صحیحی است که

بر قوت و قدرت در چیزی دلالت می‌کند و این معنای اصلی ملک است.» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵ / ۳۵۱) اصل واحد در این ماده، همان تسلط بر چیزی از آن جهت است که اختیار آن در دست شخص است. (مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۱ / ۱۷۷)

با این وجود اصل معنای «ملک» اشاره‌ای به هیچ‌یک از انواع ملک ندارد و معنایی عام را بیان می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۳ / ۱۲۷۷) و حمل آن بر هر یک از دو معنای «ملک» مادی و معنوی نیاز به قرینه دارد. در آیه مورد بحث هیچ قرینه‌ای برای حمل معنا به ملک مادی و کثرت زنان وجود ندارد، نه سیاق و نه سایر قرائن هیچ‌یک بیانگر این دو معنا نیست، اما به‌عکس در تخصیص عمومیت ملک به ملک معنوی و ولایت و امامت، دو قرینه سیاق و روایات وجود دارد.

۲. ناسازگاری نظریه «کثرت زنان» با «شأنیت آل ابراهیم ﷺ»

آنان که کثرت زنان را در معنای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند، بیشتر آنان دلیلی بر این معنا بیان نکرده‌اند، اما عده اندکی که برای ادعای خود دلیل ذکر می‌کنند این‌گونه نوشته‌اند: «گفته شده فایده کثرت ازدواج این است که هر ازدواج برابر نیروی چهل پیامبر است و هر کس زن بیشتر داشته باشد، قوت او بیشتر است، نیز گفته شده که با ازدواج زیاد قبیله و خویشاوندان فرد زیاد می‌شود که می‌تواند از آنها در برابر دشمنان حمایت شود، از جمله این موارد در فوائد ازدواج فراوان بیان گردیده است.» (سمرقندی، بی‌تا: ۱ / ۳۱۰) بدین صورت نظرانی را پیرامون فواید ازدواج ذکر کرده‌اند، که در پاسخ باید گفت این ازدواج زیاد را غیر از حضرت سلیمان ﷺ و داوود ﷺ انجام نداده‌اند و این آل ابراهیم ﷺ که «ملک عظیم» به آنها عطا شده در همین دو پیامبر ﷺ خلاصه نمی‌شود.

۳. ناسازگاری این دیدگاه با ظاهر آیه و آیه بعد

نظریه ملک مادی و کثرت زنان که برخی از مفسران و روایات بیان کرده‌اند با ظاهر آیه مورد بحث و آیه بعد از آن سازگار نیست، بدین صورت که، «تکرار لفظ آتینا»، «صفت عظیم برای ملک»، «نکره آمدن ملک» و «ایمان به این ملک و جزای جهنم سعیر در عدم ایمان به آن» که ذکر مفصل هر یک از این موارد در ادامه مقاله آمده است، هریک بیانگر عظمت والای ملک بیان شده در این آیه است و با توجه به نگاهی که قرآن به دنیا و ملک دنیایی دارد، مراد از «ملک عظیم» در این آیه نمی‌تواند ملک دنیایی و کثرت زنان باشد.

دو. بررسی و نقد نظریه «نبوت»

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، در برخی از دیدگاه‌ها، ذکر شده بود که مراد از «ملک عظیم» در این آیه نبوت است، اما بنا به دلایل ذیل نمی‌توان این معنا را پذیرفت:

۱. معنای نبوت

اولین دلیلی که می‌توان اقامه کرد که مراد از «ملک عظیم»، نمی‌تواند نبوت باشد، این است که هیچ‌گونه تناسب و

سازگاری بین معنای «نبوت» و «ملک» وجود ندارد، تا بتوان نبوت را نیز یکی از مصداق ملک دانست. در مورد معنای «نبی» باید گفت که یا از ماده «نبأ»، به معنای کسی که از طرف خدا خبر می‌آورد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۹۰؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۵۹۱؛ صاحب، ۱۴۱۴: ۱۰ / ۴۰۴؛ ابوجیب، ۱۴۰۸: ۳۴۵؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۸۲؛ جوهری، ۱۳۷۷: ۷۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۷ / ۸؛ ابن‌اثیر، ۱۳۶۷: ۵ / ۴؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۴۰۶) یا از ماده «نبو» به معنای بلند مرتبه و عالی و مرتفع است (ابن‌درید، ۱۹۸۸: ۲ / ۱۰۲۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰: ۱۲، ۱۳) در هر صورت با توجه به معنایی که برای ملک بیان شد که عبارت است از: «قوت و قدرت در چیزی و یا همان تسلط بر چیزی از آن جهت است که اختیار آن در دست شخص است» هیچ‌گونه تلازم و ارتباطی را نمی‌توان بین دو کلمه «ملک» و «نبوت» از لحاظ معنایی برقرار کرد و این خود نیز دلیلی بر رد این مدعا است که مراد از «ملک عظیم» نبوت باشد، چراکه در بیان معنا و مصداق عبارت‌ها و الفاظ قرآن باید ارتباط بین لفظ، معنا و مصداق بیان شده حفظ شود.

۲. تکرار معنای نبوت در سابق

دلیل دیگری که می‌توان علیه این مدعا که مراد از «ملک عظیم» نبوت است، اقامه کرد این است که معنای نبوت سابقا در ایتاء کتاب و حکمت ذکر شده است؛ بدین صورت که نزول کتاب و حکمت دلیلی است بر اینکه منزول علیه آنها پیامبر است که بر او وحی بدون واسطه نازل می‌شود، از این‌رو در ادامه از بیان «نبوت» مستغنی می‌شود و اینکه معنای «نبوت» گرفته شود، تکرار رخ می‌دهد و تکرار به این صورت مغل بلاغت کلام بلیغ است و حکمت و کتاب در اینجا مانند آیه «وَأذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ؛ و آیات خدا را به ریشخند نگیرید و به یاد آرید نعمت خدا را بر خودتان و آنچه را از کتاب و فرزاندگی بر شما فرو فرستاده که شما را با آن پند می‌دهد. و خودتان را از [عذاب] خدا حفظ کنید» (بقره / ۲۳۱) است که خدای متعال اهل کتاب را هشدار می‌دهد که نعمت نبوت و رسالت را که به ایشان داده است، یادآور شوند. (سبحانی، ۱۴۲۱: ۵ / ۳۸۲) به دلیل اینکه تکرار بدون فاصله و با این مضمون در این مناسبت جایگاهی ندارد، از این‌رو نمی‌توان مراد از «ملک عظیم» را نبوت گرفت.

سه. مناقشه و نقد روایات تفسیری اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت و تشیع معانی و مصداقی را در مورد «ملک عظیم» در این آیه بیان نموده‌اند. روایات تشیع که از لحاظ مضمون با یکدیگر همسو هستند و همه یک‌معنا را بیان می‌کنند که همان امامت است. این روایات از لحاظ سندی نیز سالم هستند و به آنها خدشه‌ای وارد نشده است، اما روایات تفسیری اهل سنت هم از لحاظ دلالتی و هم از لحاظ سندی دارای مشکل هستند که در ذیل بیان می‌شود:

۱. مقطوع بودن روایات اهل سنت

روایات تفسیری اهل سنت که بیانگر معنای «ملک عظیم» هستند، تمام مصادرشان به افراد زیر ختم می‌شود:

مجاهد، سدی، همام بن حارث، ابن عباس (طبری، ۱۴۱۲: ۵ / ۸۹) أبو مسلم، حسن، ابن أبجر، ثوری (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹: ۳ / ۹۸۱) که از بین این افراد نیز غیر از ابن عباس همه از تابعین هستند و روایاتشان هم مرفوع به پیامبر ﷺ نیست، که به این نوع از روایات مقطوع^۱ گفته می‌شود. قریب به تمام روایات ذکر شده غیر از دو موردی که از ابن عباس نقل شده، از تابعین است و منقول از پیامبر ﷺ نمی‌باشد، بلکه اجتهاد و نظر شخصی خود ایشان است. حتی نظری هم که از ابن عباس نقل شده منقول از پیامبر ﷺ و مرفوع به او نیست، بلکه اجتهاد شخصی خود وی است. با این وجود نمی‌توان برای این روایات اعتباری بیش از اعتبار سخن سایر مفسران قائل شد.

البته ممکن است کسی بگوید قول ایشان که به لحاظ زمانی به عصر نزول نزدیکترند معتبر است. در جواب باید گفت: این در صورتی است که بر خلاف نظر آنان قرینه‌ای وجود نداشته باشد، در صورتی که روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام در رابطه با معنای «ملک عظیم» همه قرینه بر خلاف نظر آنان است.

۲. اضطراب در متن احادیث اهل سنت

بیشتر روایاتی که در مورد معنای «ملک عظیم» در منابع اهل سنت آمده است، نقل قول تابعین است، متفق القول و هم‌مضمون نیستند، بلکه در مضمون با هم اختلاف دارند به طوری که با توجه به جایگاه و شأنیت پیامبران علیهم‌السلام، نمی‌توان بین آنها را جمع نمود. این در حالی است که - با توجه به نکته‌ای که در جمع بین روایات شیعی که دو معنای امامت و مفترض الطاعة بودن را بیان می‌کردند، گفته شد - تعداد روایاتی که بیان‌کننده معنای مفترض الطاعة بودن و امامت هستند در منابع حدیثی شیعه بسیار است. (قمی، ۱۳۶۳: ۱ / ۱۴۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۱ / ۱۰۷ - ۱۰۶ و ۲۴۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۱ / ۴۵۵، ۴۸۹ و ۵۰۹؛ صفار، ۱۴۰۴: ۱ / ۳۵ و ۵۰۵؛ تقفی، ۱۳۹۵: ۱ / ۱۹۵؛ حرانی، ۱۴۰۴: ۴۲۵) و این احادیث متواتر (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸ / ۳۰۰) یا دست‌کم صحیح مستفیض‌اند. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۲ / ۱۴۲) در مقابل روایاتی که غیر این معنا را بیان می‌کنند با وجود اینکه خبر واحدند، همه مقطوع یا موقوف هستند.

مضمون روایات اهل سنت

مضمون روایات اهل سنت با یکدیگر اتفاق نظر ندارند و معنای‌ای را که درباره «ملک عظیم»، بیان نموده‌اند در قسمت نقد نظرهای مفسران مورد نقد قرار گرفت.

بررسی مفهوم «ملک عظیم» با توجه به دلائل درون‌متنی و بیرون‌متنی

ملک بیان شده در این آیه عام است و هیچ‌گونه خصوصیت و تقيیدی را نمی‌توان از سیاق و الفاظ آیه برداشت

۱. حدیث مقطوع حدیثی است که از تابعی نقل شود (سیوطی، بی‌تا: ۱۹۴) و مقطوع بودن از ضعف‌های سند به حساب می‌آید.

کرد تا آن را بر هر یک از معانی مذکور حمل کرد، از این رو برای بیان معنای دقیق و درست «ملک عظیم» باید به دلایل درون‌متنی و برون‌متنی استناد جست. این قراین بدین شرح است:

یک. ادله درون‌متنی

جهت تبیین معنای «ملک عظیم» در این آیه می‌توان به دلایل درون‌متنی ذیل اشاره نمود:

۱. تکرار لفظ «آتینا»

لفظ «آتینا» با فاصله اندکی از هم، دو بار در این آیه تکرار شده است؛ تکرار در اینجا از باب تأکید یا تعظیم است. اگر از باب تأکید باشد، خدا بر سر ملک دنیایی یا کثرت زنان این همه تأکید نمی‌کند. اگر از باب عظمت است با توجه به صفت عظیمی که بعد از آن آورده است، باز باید همین حرف را تکرار کرد که خدا نسبت به ملک دنیایی اعتنایی ندارد و از آن با عظمت یاد نکرده است، بلکه به‌عکس این مطلب، در قرآن کریم آیات بسیاری در مذمت دنیا و زندگی دنیا و دلبستگی به زندگی دنیا آمده است. در قرآن در مورد دنیا از عبارتهایی چون: «أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ... وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید / ۲۰) «إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَإِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ» (محمد / ۳۶) استفاده شده است یا بعد از بی‌ارزش خواندن دنیا، آن را مقابل آخرت قرار می‌دهد تا جایگاه واقعی آن مشخص شود: «يَا قَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ» (غافر / ۳۹) با این وجود چگونه ممکن است خدای سبحان که این همه دنیا را به خودی خود و در مقایسه با آخرت بی‌ارزش می‌داند، در این آیه از ملک و پادشاهی آن و یا کثرت ازدواج در آن با عظمت یاد کند و بر آن تأکید نماید.

۲. تنکیر

لفظ «ملک» در این آیه به صورت نکره به کار رفته است در صورتی که می‌توانست «ملک» را طبق سیاق آیه که «کتاب» و «حکمت» را به صورت معرفه آورده است، به صورت معرفه به کار ببرد، اما این کار انجام نشده است، اینکه لفظ «ملک» به صورت نکره آمده است، غرضی را می‌رساند.

نکره آوردن لفظ در صورتی که می‌توان آن را معرفه نیز آورد، فواید و اغراضی دارد، اندیشمندان این فواید و اغراض را این‌گونه برشمرده‌اند:

۱. جهل به آنچه که لفظ مذکور را به وسیله یکی از انواع تعریف معرفه می‌سازد. ۲. متکلم نخواهد کسی را که در موردش صحبت می‌شود را معرفی کند. ۳. مراد متکلم اشاره به مصداق غیر معینی از جنس یا نوع یا صنفی باشد. ۴. تکثیر. ۵. تقلیل. ۶. تعظیم. ۷. تحقیر و تصغیر. ۸. اراده نوعی از انواع یا صنفی از اصناف. ۹. اراده اطلاق و عدم حصر. ۱۰. اراده تعمیم. (سیوطی، ۱۴۳۳: ۱ / ۳۸ - ۳۷؛ تفتازانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۵۲ - ۵۰؛ حینکه میدانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۴۰۹ - ۴۰۰؛ مراغی، بی‌تا: ۱۲۷ - ۱۲۶)

همان‌طور که بیان شد، یکی از اغراضی که در نکره آوردن لفظ وجود دارد، تعظیم و تفضیم است، به این صورت که گاهی متکلم بلیغ نکره را به قصد تعظیم لفظ به کار می‌برد که البته قرائتی در متن وجود دارد که بر این تعظیم دلالت می‌کند، پس اگر قرائتی بر این تعظیم موجود باشد، برای زیبایی کلام لفظ را به صورت نکره به کار می‌برد.

به‌عنوان مثال: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَأَرْبَبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ» (بقره / ۲) در اینجا لفظ «هدی» به‌منظور تعظیم و تفضیم به صورت نکره به کار رفته است که به معنای: «هُدًى عَظِيمٌ فَخْمٌ جَلِيلٌ لِّلْمُتَّقِينَ» است، در این آیه نیز تمجید قرآن مجید قرینه‌ای است که بر اراده تفضیم دلالت می‌کند؛ زیرا با ادات اشاره بعید بدان اشاره شده است که دال بر منزلت رفیع آن دارد، نیز در وصف آن می‌گوید: «لَا رَيْبَ فِيهِ»، بنابر این «هدی» در اینجا به‌منظور تعظیم و تفضیم به صورت نکره به کار رفته است. (حبنکه میدانی، ۱۴۱۱: ۱ / ۴۰۵ - ۴۰۴) نکره آوردن «ملک» در آیه مورد بحث نیز از باب تعظیم است. همان‌طور که بیان شد اگر در کلام قرینه‌ای بر تعظیم وجود داشته باشد، می‌توان لفظ را به صورت نکره آورد. در اینجا نیز تکرار «آتینا» و «صفت عظیم» به‌عنوان قرینه‌ای بر فخامت و بزرگی «ملک» است، پس می‌توان گفت برای بالا بردن هرچه بیشتر فخامت ملک در اینجا آن را به صورت نکره آورده است.

با این وجود هدف از نکره آوردن «ملک» در این آیه تفضیم و تعظیم «ملک» است، پس باز هم باید همان گفتار تکرار گردد که مراد از ملک در این آیه نمی‌تواند ملک دنیایی باشد؛ چراکه طبق آنچه بیان شد، نه تنها ملک دنیایی در قرآن ستوده نیست، بلکه آیات زیادی در مذمت دنیا وجود دارد، که این مذمت به طریق اولی ملک دنیا را نیز شامل می‌شود. این مذمت‌ها با این همه تأکید و تعظیم و بزرگداشت‌ها سازگار نیست.

۳. صفت «عظیم» برای ملک

خدای متعال در این آیه برای «ملک» صفت «عظیم» را آورده است، از این رو «ملک» نمی‌تواند ملک مادی باشد، چراکه در قرآن از آن با عظمت یاد نشده است، مگر آن که مستلزم فضیلتی مادی باشد یا اینکه راهی برای رسیدن به مقامات معنوی و والا باشد و صاحبش را به فضیلتی معنوی و منقبتی دینی برساند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۴ / ۳۷۷؛ موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۸۵) همان‌طور که ذکر شد نه تنها ملک دنیایی در قرآن ستوده نیست بلکه آیات بسیاری در مذمت دنیا وجود دارد، که این مذمت به طریق اولی ملک دنیا را نیز شامل می‌شود.

۴. آیه بعد از ملک عظیم

یکی دیگر از دلایلی که قرینه است بر اینکه برخی از نظرهای مذکور نمی‌تواند مراد از ملک عظیم باشد، آیه بعد از آیه ملک عظیم است:

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا. (نساء / ۵۵)

والی] برخی از آنان کسانی هستند که به آن ایمان آوردند و برخی از آنان کسانی هستند که [راه مردم را] بر آن بستند و [برای مجازات آنها] شعله فروزان [آتش] جهنم کافی است!

در این آیه بازگشت ضمیر «به» به «ملک عظیم» (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹: ۸ / ۲۸۵) یا دست کم به آنچه به ابراهیم داده شده، است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ۲ / ۲۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵: ۳ / ۵۶) با این وجود در این رابطه می‌توان گفت:

۱. در آیه بعد سخن از ایمان به این «ملک عظیم» به میان آمده است و ملک دنیوی یا تعدد و کثرت زنان که برخی آن را به عنوان معنای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند، نیاز به ایمان که امری قلبی است ندارد. از این رو «ملک عظیم» در آیه باید امری باشد که ایمان و عدم ایمان بر آن صادق باشد.
۲. در آیه بعد خدای متعال مردم را در مقابله با ایتاء این ملک به آل ابراهیم علیهم‌السلام دو دسته می‌کند؛ عده‌ای که این را می‌پذیرند و عده‌ای که در برابر آن می‌ایستند و حتی دیگران را نیز از پذیرش آن باز می‌دارند که خدای سبحان جزای این گروه دوم را آتش جهنم می‌داند، اگر مراد از این ملک تعدد زنان و پادشاهی باشد؛ چرا باید عده‌ای مقابل آن ایستاده و از پذیرش آن سرباز زنند و دیگران را نیز از پذیرش آن بازدارند؟!
۳. خدای متعال مجازات افرادی را که از پذیرش این «ملک عظیم» در حق آل ابراهیم علیهم‌السلام سرباز می‌زنند، جهنم سعیر می‌داند، در اینجا این سؤال پیش می‌آید که آیا جزای عدم پذیرش چنین امری، باید جهنم سعیر باشد؟!

با توجه به نقدها و مناقشاتی که نسبت به نظرهای مفسران ارائه شد، معنای ملک نمی‌تواند یکی از موارد کثرت زنان، ملک مادی و پادشاهی باشد.

دلایلی که تا به حال بیان شد همه بیانگر این است که در ابتدا با توجه به عام بودن ملک عظیمی که در این آیه بیان شده نمی‌توان آن را بر هیچ یک از انواع ملک مادی و معنوی حمل نمود، اما با توجه به قرائن دیگر مثل «صفت عظیم برای ملک، نکره آمدن ملک، تکرار لفظ آتینا و آیه بعد از ملک عظیم» می‌توان گفت که اولاً «ملک عظیم» بیان شده در این جایگاه، شأنیت بسیار والایی دارد. ثانیاً این ملک با در نظر گرفتن دید قرآن به دنیا و ملک دنیایی نمی‌تواند ملک مادی باشد، پس باید ملکی معنوی باشد. با این وجود با قرار دادن این آیه در کنار آیه ابتلا می‌توان به معنای دقیق و درست «ملک عظیم» در این آیه دست یافت؛ بدین صورت که این آیه را می‌توان به عنوان پاسخی به درخواست حضرت ابراهیم علیهم‌السلام از خدای متعال دانست، هنگامی که خدا مقام امامت را به ایشان عطا نمود ایشان برای آل و ذریه خود نیز این ملک را درخواست نمود. خدا به ایشان فرمود: عهد من به ظالمین نمی‌رسد. در این آیه نیز خدای سبحان در ادامه همان سخن می‌فرماید: که ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت و ملک عظیم دادیم، که این ملک عظیم همان امامتی است که حضرت آن را برای ذریه خود خواسته بود.

دو. ادله برون‌متنی

پیشتر بیان شد که «ملک عظیم» مذکور در آیه عام است و از آن نمی‌توان هیچ یک از انواع ملک مادی یا معنوی را برداشت نمود، مگر اینکه مخصصی برای آن وجود داشته باشد. در اینجا روایات رسیده در این باب را می‌توان به‌عنوان مخصص بیان نمود.

در رابطه با بیان مصداق «ملک عظیم» روایاتی در تفاسیر روایی فریقین آمده است، اما از این مجموعه روایات، آنچه که در کتب روایی اهل سنت آمده است همه مقطوع‌اند و هیچ یک مرفوع به پیامبر ﷺ نمی‌باشند، از این رو همانند قول سایر مفسران، فقط به‌عنوان احتمالی در رابطه با معنای آیه مطرح می‌شوند و ضعف‌هایی که بر سایر نظرها وارد شد بر آنها نیز وارد است. همچنین ضعف‌های دیگری نیز بر روایات اهل سنت وارد است که در قسمت نقد روایات اهل سنت ذکر شد.

اما روایات شیعه، در رابطه با «ملک عظیم» دو معنا را بیان نموده‌اند؛ یکی امامت و دیگری مفترض الطاعة بودن، که این دو معنا قابل جمع هستند؛ بدین صورت که مفترض الطاعة بودن یکی از شئون امامت است و هر دو معنای بیان‌شده هم با شأن آل ابراهیم علیهم‌السلام و هم با ظاهر و سیاق آیه سازگاری دارد. بنابراین روایات شیعه را می‌توان مخصص عمومیت «ملک عظیم» دانست و معنای ملک عظیمی که خدا در این آیه آن را به آل ابراهیم علیهم‌السلام عطا نموده را، امامت و به‌عبارت دیگر ولایت تکوینی از سوی خدا است.

نتیجه

مفسران اهل سنت و روایات آنها در مورد «ملک عظیم» نظریات گوناگونی از جمله؛ کثرت زنان، پادشاهی، نبوت و ... بیان نموده‌اند.

مفسران شیعه معنای‌ای از جمله؛ ولایت، نبوت، پادشاهی، مفترض الطاعة، جمع بین ملک دنیایی و دینی، حکومت بر دل‌ها را برای «ملک عظیم» بیان نموده‌اند که برخی از این نظرها با روایات شیعه هم‌سو هستند. مفسران شیعه در برخی از نظرها با مفسران و روایات اهل سنت هم‌سو هستند. برخی از نظریات بیان‌شده مانند، ملک مادی و کثرت زنان و نبوت با سایر آیات قرآن و دیدگاه قرآن نسبت به دنیا و ملک دنیایی سازگار نمی‌باشند.

مراد از «ملک عظیم» بیان‌شده در آیه، با توجه به سایر آیات و روایات، امامت و ولایت است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الکتب العلمیه.

- ابن‌ابی‌حاتم، عبدالرحمن بن محمد، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، ریاض، مکتبه نزار مصطفی‌الباز.

- ابن جبر مکی، مجاهد، ۱۴۱۰ ق، تفسیر مجاهد، مصر، دار الفكر الإسلامی الحدیثة.
- ابن عاشور، محمد طاهر، بی تا، التحریر و التنویر، بیروت، مؤسسه التاریخ.
- ابن عباس، عبدالله، بی تا، تنویر المقیاس من تفسیر ابن عباس، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عطیة اندلسی، عبدالحق بن غالب، ۱۴۲۲ ق، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن فارس، احمد، ۱۴۰۴ ق، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قتیبة، عبدالله بن مسلم، بی تا، غریب القرآن، بیروت، مکتبة الهلال.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، ۱۴۱۹ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن منذر، محمد بن ابراهیم، ۱۴۲۳ ق، کتاب تفسیر القرآن، مدینه، دار المآثر.
- ابوزهره، محمد بن احمد، بی تا، زهرة التفاسیر، بیروت، دار الفکر.
- ایباری، ابراهیم، ۱۴۰۵ ق، الموسوعة القرآنیة، قاهره، مؤسسه سجل العرب.
- بغدادی، علاءالدین علی بن محمد، ۱۴۱۵ ق، لباب التأویل فی معانی التنزیل، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- بغوی، حسین بن مسعود، ۱۴۲۰ ق، معالم التنزیل فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بلاغی نجفی، محمدجواد، ۱۴۲۰ ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
- بلخی، مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم، ۱۴۲۲ ق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ثقفی، ابراهیم بن محمد، ۱۳۹۵ ق، الفارات، تهران، انجمن آثار ملی.
- حرانی، حسن بن علی بن شعبه، ۱۴۰۴ ق، تحف العقول، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- حسینی شیرازی، سید محمد، ۱۴۲۳ ق، تبیین القرآن، بیروت، دار العلوم.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، ۱۴۱۵ ق، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۲۰ ق، تفسیر الراغب الأصفهانی، مصر، کلیة الآداب فی جامعة طنطا.
- رشیدرضا، محمد، ۱۹۹۰ م، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، مصر، هیئة المصریة العامة للکتاب.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ ق، التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج، بیروت، دار الفكر المعاصر.
- زمخشری، جارالله محمود بن عمر، ۱۴۰۷ ق، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، دار الکتب العربی.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۱ ق، مفاهیم القرآن، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.

- سبزواری نجفی، محمد بن حبیب‌الله، ۱۴۰۶ق، *الجدید فی تفسیر القرآن المجید*، بیروت، دار التعارف.
- _____، ۱۴۱۹ق، *ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن*، بیروت، دار التعارف.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، *بحر العلوم*، تحقیق ابوسعید عمر بن غلامحسن عمروی، بیروت، دار الفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۳۹۴ق، *الإتقان فی علوم القرآن*، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب.
- _____، ۱۴۰۴ق، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- _____، ۱۴۳۳ق، *عقود الجمان فی علم المعانی و البیان*، قاهره، دار الإمام مسلم.
- _____، بی تا، *تدریب الراوی فی شرح تقریب النواوی*، ریاض، مكتبة الرياض الحديثة.
- شبر، سید عبدالله، ۱۴۰۷ق، *الجواهر الثمین فی تفسیر الكتاب المبین*، کویت، مكتبة الألفین.
- صفار، محمد بن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، قم، مكتبة آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- طنطاوی، سید محمد، بی تا، *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*، قاهره، دار نهضة مصر.
- عاملی، علی بن حسین، ۱۴۱۳ق، *الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز*، قم، دار القرآن الکریم.
- قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۷، *تفسیر احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، قم، دار الكتاب.
- کاشانی، فتح‌الله، ۱۴۲۳ق، *زبدة التفاسیر*، قم، بنیاد معارف اسلامی.
- کریمی حویزی، محمد، ۱۴۰۲ق، *التفسیر لكتاب الله المنیر*، قم، چاپخانه علمیه.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *الکافی*، قم، دار الحدیث.
- کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰ق، *تفسیر فرات الکوفی*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گنابادی، سلطان محمد، ۱۴۰۸ق، *تفسیر بیان السعادة فی مقامات العبادة*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
- محلی، جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، ۱۴۱۶ق، *تفسیر الجلالین*، بیروت، مؤسسه النور.
- مصطفوی، حسن، ۱۴۳۰ق، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- مظهری، محمد ثناءالله، ۱۴۱۲ق، *التفسیر المظهری*، پاکستان، مكتبة رشديه.
- موسوی سبزواری، سید عبدالاعلی، ۱۴۰۹ق، *مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسه اهل بیت علیهم السلام.
- نووی جاوی، محمد بن عمر، ۱۴۱۷ق، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- هاشمی، احمد بن ابراهیم، بی تا، *جواهر البلاغة فی المعانی و البیان و البدیع*، بیروت، المكتبة العصرية.
- هواری، اباضی، بی تا، *تفسیر الهواری*، بی جا، بی نا.

الأساليب الخاصة لأهل البيت عليهم السلام في تفسير مفردات القرآن

* حسن اصغرپور

** مجيد معارف

*** خليل پرويني

الخلاصه

لاشكّ في أنّ أهل البيت عليهم السلام وبشهادة القرائن العقلية والنقلية، هم القرآن الناطق والورثة الحقيقيين لعلوم ومعارف رسول الله صلى الله عليه وآله. هناك في الأحاديث الشيعية، نصوص ومقتطفات تثني علي أهل البيت عليهم السلام بوصف «أمراء الكلام». وبما أنّ فهم معاني الكلام يتوقف علي فهم كلمة أو كلمات، من الطبيعي أنّ امعان النظر وتقصى الآراء التفسيرية لأهل البيت عليهم السلام في تبين معني أو معاني مفردات القرآن الكريم يكتسب أهمية بالغة في تفسير القرآن. هناك أساليب مختلفة في تفسير مفردات القرآن، منها الأساليب الأربعة التالية: الاسلوب التأويلي، واسلوب توسيع أو تضيق المعني، والبيان الغائي والتصويري. وهذه هي الأساليب التي يختصّ بها تفسير أهل البيت عليهم السلام لمفردات ألفاظ القرآن. يأتي هذا البحث علي شرح كلّ اسلوب ويقدم لها أمثلة ونماذج من التراث التفسيري لأهل البيت عليهم السلام، مع إثبات الأصل القرآني لبعض هذه الأساليب.

الألفاظ المفتاحية

مفردات القرآن، التفسير الأدبي، التفسير الروائي، الأساليب التفسيرية، اسلوب أهل البيت عليهم السلام.

h.asgharpour@shahed.ac.ir

maaref@ut.ac.ir

k.parvini@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/٠٨/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة شاهد (الكاتب المسؤول).

** استاذ في جامعة طهران.

*** استاذ مشارك في جامعة تربية المدرسين.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/١٢/٢٥

تبيين مصاديق «أهل البيت» في آية التطهير ونقد رأى الألوسى

ميثم دوست محمدى*

رضا نوروزى**

الخلاصه

آية التطهير من أكثر الآيات القرآنية المثيرة للجدل بين مفسرى الفريقين. الشيعة وبناءً على ما لديهم من أحاديث متواترة عن رسول الله ﷺ، يرون أن مصاديق «أهل البيت» في هذه الآية تنحصر في النبي ﷺ، وعلى، وفاطمة، والحسن، والحسين ﷺ. وأما الألوسى وهو من مفسرى أهل السنة فهو يرى، انطلاقاً من مقتضى سياق الآيات وبعض أحاديث النبي ﷺ، أن دائرة مصاديق «أهل البيت» أوسع وأشمل من أزواج وأبناء وأقارب النبي ﷺ وحتى أقطاب الصوفية. يتناول هذا البحث النظر في شروط استخدام وتطبيق السياق في التفسير وتمحيص للأحاديث الواردة عن رسول الله ﷺ من وجهة نظر علماء أهل السنة، وينتقد الرأى الذى ينكر انحصار مصاديق أهل البيت في أصحاب الكساء، ويستعين بالأحاديث الصحيحة الموجودة في مصادر أهل السنة، ليثبت انحصار مصاديق هذه الآية في أصحاب الكساء.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣٣ من سورة الأحزاب، آية التطهير، أهل البيت، الألوسى، أصحاب الكساء.

*. طالب دكتوراه فى تدريس المعارف الإسلامية، جامعة طهران (الكاتب المسؤول). mdoostmdoost@gmail.com

** استاذ مساعد فى قسم المعارف الإسلامية، جامعة قم. r.nourouzy@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/١٩

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٣/١٢

أضواء علي دعوة النبي الكريم ﷺ علي أساس الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، والآية ٩٤ من سورة الحجر

مجتبي محمدى *

ابوالفضل خوش منش **

الخلاصه

الرأى المشهور فى ما يخص الآيتين: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»، و«فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» هو ان الآيتين المذكورتين تشيران الي بداية مرحلة جديدة من دعوة النبي محمد ﷺ الي الإسلام، وهو ما يُعرف بدور الدعوة العلنية. وفقاً لهذه الرؤية فإن النبي ﷺ قد أمر - من بعد نزول هاتين الآيتين - بإنهاء مرحلة الدعوة السرية والبدء بمرحلة الدعوة العلنية. لكن هذه الرؤية تكتنفها اشكالات كثيرة منها أن الروايات التي تؤيدها تعجّ بتناقضات كثيرة، فضلاً عن أنها لا تنسجم مع ترتيب نزول السور القرآنية. وبالإضافة الي كل ذلك فإن هذه الرؤية تتعارض مع محتوى ومضامين آيات وردت فى سياق جزئى ومع قالب سورتي الشعراء والحجر، وكذلك مع محتوى سور قرآنية اخري من حيث الصياغة والسياقات العامة. فلو أخذنا بنظر الإعتبار السير التاريخي والمنطقي لآيات وسور القرآن الكريم فإننا نتوصل الي نتيجة مفادها أن الآيات المذكورة ليست لها أدني صلة بإنهاء الدعوة السرية والبدء بالدعوة العلنية. فهذه الآيات، نزلت من بعد السنة السادسة للبعثة وفيها أمر للرسول ﷺ بمواصلة الدعوة العلنية بكلّ عزمٍ وحزمٍ وثبات رغم وجود الكثير من المشاكل والموانع التي تقف أمام مسيرة الدعوة الي الإسلام.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٢١٤ من سورة الشعراء، الآية ٩٤ من سورة الحجر، الدعوة السرية، الدعوة العلنية.

mojtaba.mohammadia@gmail.com

manesh88@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. طالب دكتوراه فى جامعة طهران (الكاتب المسؤول).

** استاذ مشارك فى جامعة طهران.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٤

ماهية حقيقة الملكوت في القرآن الكريم مع تحليل لرأى المفسرين

مهناز عباسي*

فريده بهرامى**

الخلاصه

كانت ماهية الملكوت والامور المتعلقة به موضع بحث المفسرين والباحثين القرآنيين. منشأ هذا البحث منبثق من الآيات التالية: الآية ٨٣ من سورة يس، والآية ٨٨ من سورة المؤمنون، والآية ٧٥ من سورة الأنعام، والآية ١٨٥ من سورة الأعراف، التي تحدتت عن الملكوت بصراحة. وكان هذا مما أدّى الي ظهور آراء شتّى حول الملكوت. نحاول في هذا البحث تسليط الضوء علي «ماهية الملكوت» والامور المتعلقة به، من منظار الآيات القرآنية أولاً، ثم استجلاء وتبيين أهم الآراء المطروحة في هذا المجال. هنالك ثلاثة آراء مطروحة بين المفسرين في تفسيرهم للملكوت، وهي قولهم: إنّ الملكوت هو الجانب العمومي للشهود، والملكوت أمر باطنى، والملكوت مقام قرب يختص به أولياء الله. الرأى الثانى يقدّم تفسيراً واضحاً فضلاً، عن كونه رأياً جامعاً ويمكن حملها علي آيات الملكوت، فهو يأخذ معنيّ عينياً لكلمة الملكوت يحول دون حملها علي معنيّ اعتبارى. تري وجهة النظر هذه أن الملكوت أمر باطنى في نظام العرش الإلهى يُعبّر فيه عن صورة انتساب الأشياء الي الله تعالى من حيث العلاقة التدبيرية بينها، وهي مرتبطة بمفاهيم الأمر الإلهى، والهداية، والإمامة، واليقين، والعرش.

الألفاظ المفتاحية

آيات الملكوت، الوجه الباطنى، الحقيقة، تدبير الامور.

abbasi_m89@yahoo.com

bahramifaride@gmail.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٢٩

*. استاذة مساعدة في قسم المعارف الإسلامية، جامعة الزهراء (ع).
**. خريجة ماجستير من جامعة قم.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠٣/٠٥

تأثير معرفة جغرافية «بابل» في تفسير الآية ١٠٢ من سورة البقرة

سيده سميّه خاتمي سبزوارى*

سيد محمد مرتضوى**

الخلاصه

من آيات القرآن الكريم التي يلقها الغموض لدى المفسرين الآية ١٠٢ من سورة البقرة. في هذه الآيات عدة امور تسترعى الانتباه، وفيها خلاف حول مكان بابل، ونزول هاروت وماروت، وكيفية السحر، وما هو المقصود بالشياطين، غير ان وجود كلمة «بابل» هنا يساعد كثيراً علي تبديد شيء من الغموض وحل هذه الاختلافات في الرؤي. وردت كلمة بابل مرة واحدة في القرآن. ينطلق هذا البحث من قضية اهتمام الناس بالسحر، الذي هو الموضوع الأهم في هذه الآية، لتسليط الضوء علي الاحداث التي وقعت في هذه المدينة وكيفية نهايتها، لكي يتسني عن طريق التعرف علي بابل بشكل أوسع، الاستعانة بذلك وملاحظة مدي معرفته في تفسير الآية. هذه التأثيرات تُبحث من جانبين؛ احدهما تبين العقاب التي انتهى إليها السحرة، ليتقضي من خلال ذلك العلاقة بين السحر وبين الوقائع التي حصلت في بابل، والآخر طرح اجابات للاختلافات التفسيرية في هذا المجال.

الألفاظ المفتاحية

الآية ١٠٢ من سورة البقرة، أرض بابل، هاروت وماروت، الإختلافات التفسيرية.

*. طالبة دكتوراه في تدريس القرآن والنصوص الإسلامية، جامعة الفردوسى، مشهد. shkhatami56@gmail.com
**. استاذ مشارك في قسم المعارف الإسلامية جامعة الفردوسى، مشهد (الكاتب المسؤول). mortazavi-m@um.ac.ir
تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧ تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/٢٠

تحليل مقارنة لرأى الفريقين فى مسألة الرجعة

علي أساس الآفة ٨٣ من سورة النمل

ابوذر رجبى*

الخلاصة

يؤمن الشيعة بمبدأ الرجعية، ولكن أهل السنة لا يؤمنون بهذا المبدأ. يستدل الشيعة بعدة أدلة علي هذا المعتقد منها ما جاء فى النصوص الدينية من آيات قرآنية واحاديث شريفة مروية عن المعصومين عليهم السلام اضافة إلي العقل والاجماع. هذه الامور اذا اضيفت إليها الوقائع التاريخية التى شهدتها الاقوام السالفة، تثبت امكان الرجعة. من الادلة التى تؤخذ بنظر الاعتبار فى هذا المجال بعض الآيات القرآنية التى تثبت هذا الاعتقاد فى آخر الزمان. وعلي رأس هذه الآيات كما يري مفسرو الشيعة، الآفة ٨٣ من سورة النمل التى تُعرف لدى الباحثين القرآنيين الشيعة بأفة اثبات الرجعة فى زمان ظهور الامام المهدي عليه السلام. وفى مقابل ذلك توجه مفسرو أهل السنة بالنقد إلي رأى علماء الشيعة هذا. يتناول هذا البحث تمحيص رأى مفسرى الفريقين بمنتهى الدقة بأسلوب تحليلي فى ما يخص دلالة الآفة المذكورة، ثم يطرح رأى مفسرى أهل السنة علي بساط النقد.

الألفاظ المفتاحية

الآفة ٨٣ من سورة النمل، آفة الرجعة، التفسير المقارن، التفسير الكلامي، الرجعة، الحشر، آخر الزمان.

abuzar_rajabi@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٩/٠٨

*. استاذ مساعد فى جامعة المعارف الإسلامية.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٦/٠١/١٣

الإتجاه العقلي في تفسير الآيات القرآنية من منظور الشريف الرضى والزمخشري

* محسن قاسم پور

** محمد حسن لواساني

الخلاصه

الشريف الرضى والزمخشري من المفسرين الذين تناولوا تفسير آيات القرآن الكريم انطلاقاً من اتجاه عقلي ، غير أن الإتجاه ينبثق من منطلقين متميزين عن بعضهما. توجه الزمخشري نحو تفسير الآيات منطلقاً من الاصول العقلية للاعتزال واستناداً إلي مبدأ التأويل، بينما نظر الشريف الرضى إلي الآيات في ضوء ما تمليه مكانة العقل في الفكر الشيعي، ومحدودية العقل واعتباره مجرد أداة في التفسير. النهج الذي سار عليه الشريف في تفسيره للآيتين ٧ و ٨ من سورة آل عمران، هو انه جعل القرآن محوراً مع نزعة تميل نحو التجديد؛ بينما سار الزمخشري في تعاطيه مع كلتا الآيتين تبعاً للسنة السلفية للمعتزلة. الشريف الرضى نظر إلي الآيتين ٦٠ و ٦١ من هذه السورة بنظرة تجعل الكتاب والسنة محوراً مع اخذ الجوانب الادبية بنظر الاعتبار، في حين فسر الزمخشري هاتين الآيتين استناداً إلي مصدر العقل والشواهد التاريخية. بالاضافة إلي ذلك يلاحظ في تفسيره لهاتين معالم من الفكر الكلامي للمعتزلة مصحوباً بنوع من التعصب.

الألفاظ المفتاحية

الآيتان ٧ و ٨ من سورة آل عمران، الآيتان ٦٠ و ٦١ من سورة آل عمران، التفسير الكلامي، التفسير المقارن، الشريف الرضى، الزمخشري.

*. استاذ مشارك في جامعة كاشان (الكاتب المسؤول).

** طالب دكتوراه في جامعة كاشان.

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٨/٢٣

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٢/٢٥

بحث مقارن لآيات الخلود في النار من منظار العلامة الطباطبائي والفخر الرازي

كريم علي محمدى*

عبد المجيد علي محمدى**

الخلاصه

في آيات من القرآن الكريم مثل: الآية ٦٩ من سورة النساء، والآية ٦٤ من سورة الأحزاب، والآية ٢٣ من سورة الجن، والآية ١٧ من سورة الحشر، ذُكرت مدة عذاب المذنبين في النار بلفظ «خالدين فيها». موضوع خلود عذاب المذنبين، أو انتهائه وانقطاعه، المسائل المهمة التي كانت منذ القَدَم موضع اهتمام المتكلمين، والفلاسفة، والعرفاء، والمفسرين؛ قسم منهم انتهج منهج الإفراط وقال بخلود المذنبين في العذاب الدائم. ووقع قسم آخر في التفريط وقال بجواز نهاية العذاب لجميع المذنبين. وفي هذا المجال انتهج كلٌّ من العلامة الطباطبائي المفسر، والفيلسوف، والعارف الشيعي البارز، والفخر الرازي المفسر والمتكلم الأشعري البارز، بتبيينهما العقلي لمسألة الخلود في العذاب، وفقاً لمبانيهما الكلامية، والتفسيرية والفلسفية، منهج الاعتدال، ورسمًا حدّ الخلود في النار والخالدين فيها. البحث الذي بين أيديكم محاولة لتسليط الضوء علي أدلة ومباني هذين العالمين الكبيرين، ونقد لأهم الشبهات التي تُثار بشأن فكرة الخلود في النار.

الألفاظ المفتاحية

آيات الخلود في النار، الخلود في جهنم، التفسير الكلامي، العلامة الطباطبائي، الفخر الرازي.

Karimali_110@yahoo.com

qmajid@yahoo.com

تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠١/٢٧

*. استاذ مساعد في جامعة الشهيد مدني، اقليم آذربايجان.

** ماجستير من جامعة قم (الكاتب المسؤول).

تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٠٥/١٤

عمومية زوجية الموجودات في ضوء الآية ٣ من سورة الرعد والآية ٤٩ من سورة الذاريات

روح الله نجفي*

الخلاصة

تحدث القرآن الكريم في آيات متعددة عن نظام زوجية الموجودات، حيث نصت الآية الثالثة من سورة الرعد وفقاً للرأى المشهور، علي زوجية جميع الثمار، وكذلك تحدث الآية ٤٩ من سورة الذاريات عن زوجية جميع الأشياء. يبين هذا البحث أن الآية الثالثة من سورة الرعد، يمكن تصوّر تركيب نحويين فيها، وأن هذه الآية وفقاً للرأى المشهور حول التركيب النحوي لها، تدلّ علي زوجية جميع الثمار، ولكن وفقاً لرأى غير مشهور، المراد من القرينين في هذه الآية الليل والنهار، من جهة، وبناءً علي تعبير «كلّ شيء» الذي جاء في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، من الممكن تصور انه ينبغي البحث عن نظام الزوجية حتي في الموجودات غير الحية، في حين أن هذه الأشياء ليس فيها ذكور وإناث وليس فيها نظام زوجية من نوع آخر يمكن أن يدركه من يتوجّه إليهم القرآن بالخطاب في عهد نزوله، لكي يلفت أنظارهم الي قدرة الله. ومن هنا ونظراً لاستعمال كلمة «كلّ» للتأكيد علي الكثرة، وهو أمر شائع في أدبيات القرآن، يبدو أن المراد في الآية ٤٩ من سورة الذاريات، هو بيان كثرة وسعة ظاهرة الزوجية بين الموجودات الحية.

الألفاظ المفتاحية

الآية ٣ من سورة الرعد، الآية ٤٩ من سورة الذاريات، التفسير العلمي، عمومية نظام الزوجية.

rnf1981@yahoo.com
تاريخ القبول: ٢٠١٥/١٢/٣١

*. استاذ مساعد في جامعة الخوارزمي.
تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/٤/٢٢

تفسير مقارن لآية النور

اكبر محمودى*

الخلاصه

المراد الأساسى من الـ «نور» فى الآية الشريفة المعروفة باسم آية النور، هو الهداية؛ وذلك بقريئة جملة «يهدى الله لنوره من يشاء»، وبناءً على ما جاء فى الروايات. كما ذُكرت له أيضاً معانى اخري فرعية وتصبّ فى سياق هذا المعنى. الهدف الذى أرادَه الله عزّ وجلّ من ذكر «المشكاة»، و«المصباح»، و«الزجاجة» مع ما ذُكر لها من معانٍ كثيرة، فى هذه الآية هو التشبيه لمخلوقاته بالزجاجة والمصباح والنور، لكى يصوّر لهم بمثال ملموس كيفية اشعاعه عليهم بالنور. وهذا ما يُفهم مما جاء فى نصّ الآية الشريفة: «يُضربُ اللهُ الأمثالَ لِلنَّاسِ». كما أن المقاطع والجُمَل الاخرى: «كأنها كوكب درى»، و«يوقد من شجرة مباركة لا شرقية ولا غربية»، و«يكاد زيتها يضىء ولو لم تمسسه نار»، و«نورٌ على نورٍ» جاءت كلّها من أجل بيان شدة إنارة ذلك المصباح والزجاجة التى هو فيها. إنّ ما يُفهم من قوله تعالى: «يهدى الله لنوره من يشاء» وهو أنه يخصّ بنوره أفراداً معيّنين، وفى ضوء ما جاء فى المقطع الأول من الآية الذى يفيد إضفاء النور على السموات والأرض، أن الله تبارك وتعالى نورين؛ نور عام، ونور خاص.

الألفاظ المفتاحية

آية النور، الآية ٣٥ من سورة النور، الآيات المتشابهة، التفسير المقارن.

*. خريج دكتوراه فى القرآن والنصوص الإسلامية جامعة المعارف الإسلامية. تاريخ الاستلام: ٢٠١٥/١٠/٠٦
mahmoodiakbar24@gmail.com تاريخ القبول: ٢٠١٦/٠٤/٠٦